



کتاب کنکور

علوم و فنون جامع دهم، یازدهم و دوازدهم

دکتر کامران شاه مرادیان

رشته ادبیات و علوم انسانی





וְשָׁמַר
וְשָׁמַר
וְשָׁמַר
וְשָׁמַר

Two decorative star symbols are positioned between the second and third lines of text. Two smaller star symbols are positioned below the fourth line of text.



به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

از آنجا که درس علوم و فنون ادبی یکی از امتیازآورترین دروس کنکور برای داوطلبان کنکور سراسری در رشته‌های علوم انسانی و معارف اسلامی می‌باشد، بر آن شدیم پس از مشورت با برترین اساتید کنکور کتابی جامع و متفاوت با کتاب‌های موجود در بازار پدید آوریم به گونه‌ای که داوطلبان عزیز را از مراجعه به انبوهی از کتاب‌های آموزشی بی‌نیاز کنیم.

ساختار کتاب

مطالبی که در این کتاب می‌بینیم:

- ۱) درس‌نامه‌های جامع دهم، یازدهم و دوازدهم: در این کتاب درس‌نامه‌های جامع تمام دروس دهم، یازدهم و دوازدهم را گنجانده‌ایم. بدین ترتیب که مطالب و محتوای هر فصل را که به طور پراکنده در سه کتاب آمده است، طبقه‌بندی کرده‌ایم و خیال دانش‌آموز را از مراجعه به کتاب درسی دهم و یازدهم نیز راحت کرده‌ایم. به عنوان مثال در بخش تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی تمام مطالب درس‌های مختلف هر سه کتاب در یک فصل به ترتیب قرن جمع‌آوری شده و سپس پرسش‌های چهارگزینه‌ای برای آن تنظیم شده است یا محتوای موسیقی سخن که در سه فصل و در سه کتاب پراکنده آمده است، به ترتیب در یک فصل گنجانده شده و پرسش‌های چهارگزینه‌ای در انتهای آن آمده است.
- ۲) خلاصه‌نویسی نکات کنکوری در انتهای هر درس ابتکار دیگری در تألیف این کتاب است که ذهن دانش‌آموز را روی نکات برجسته کنکوری متمرکز می‌کند.
- ۳) گنجاندن بیش از ۱۵۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای اعم از تألیفی و کنکوری با پاسخ‌نامه تشریحی یکی دیگر از امتیازات این کتاب است.
- ۴) توضیح محتوای درس‌نامه‌ها با روشی آسان و شیوا و مثال‌های بیشتر هم یکی دیگر از هدیه‌های ما به دانش‌آموزان عزیز است.

سپاس‌گزاری:

از صمیم قلب از تمام بزرگوارانی که حقیر را چنان بازوانی توانمند جهت تألیف و تنظیم این کتاب یاری رسانده‌اند، سپاس‌گزاری می‌کنم:

- مدیر عامل محترم انتشارات: آقای یحیی دهقانی
- دبیر مجموعه: مهندس هادی عزیززاده و همکاران ایشان در معاونت تألیف مجموعه مبتکران به ویژه آقای حسین کشتی‌کار (مسئول فنی).

- ویراستار: مژگان شاه‌مرادیان
 - حروف‌چین و صفحه‌آرا: سکینه مظاهری
 - طراح جلد: مینا هرمزی
 - گرافیکست: بهاره خدابی که زحمت کارهای گرافیکی کتاب را برعهده داشته‌اند.
 - نمونه‌خوان‌ها: طوبی عینی‌پور، شیوا خوش‌نقش، رویا قطاری
- با این امید که دانش‌آموزان عزیز، داوطلبان کنکور و دبیران محترم، نظرها و پیشنهادهای خود را با مؤلف در میان گذاشته و مسیر بهبود کیفیت این کتاب را بیش از پیش هموار نمایند.

با سپاس بی‌قیاس:
دکتر کامران شاه‌مرادیان

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار



فصل یکم: کلیات ۹

- درس (۱): مبانی علوم و فنون ادبی ۱۰
- درس (۲): بررسی و طبقه‌بندی آثار ۱۴
- درس (۳): کالبدشکافی متن شعر و نثر ۱۷

فصل دوم: تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی ۲۳

- درس (۴) زبان و ادبیات پیش از اسلام ۲۴
- درس (۵): شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی ۲۶
- درس (۶): سبک و سبک‌شناسی دوره اول (سبک خراسانی) ۲۹
- درس (۷): ادبیات و زبان فارسی در سده‌های پنجم و ششم ۳۸
- درس (۸): سبک و سبک‌شناسی در دوره دوم (سبک عراقی) ۴۴
- درس (۹): تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم ۵۳
- درس (۱۰): تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم ۶۵
- درس (۱۱): سبک هندی ۷۲
- درس (۱۲): تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری) ۸۱
- درس (۱۳): سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری) ۸۹
- درس (۱۴): تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر) ۹۴
- درس (۱۵): سبک‌شناسی دوره معاصر ۱۰۲

فصل سوم: موسیقی شعر ۱۰۷

- درس (۱۶): سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی ۱۰۸
- درس (۱۷): هماهنگی پاره‌های کلام ۱۱۲
- درس (۱۸): قافیه ۱۱۶
- درس (۱۹): وزن شعر فارسی ۱۲۵
- درس (۲۰): پایه‌های آوایی شعر ۱۳۴
- درس (۲۱): پایه‌های آوایی همسان (۱) ۱۵۵
- درس (۲۲): پایه‌های آوایی همسان (۲) ۱۸۹
- درس (۲۳): پایه‌های آوایی همسان (۳) ۲۲۲
- درس (۲۴): پایه‌های آوایی ناهمسان ۲۴۲
- درس (۲۵): اختیارات شاعری زبانی ۲۴۷
- درس (۲۶): اختیارات شاعری وزنی ۳۲۲
- درس (۲۷): وزن در شعر نیمایی ۳۲۷

فصل چهارم: زیبایی شناسی (بدیع لفظی) ۴۲۱

بیان:

- درس (۲۸): تشبیه ۴۲۲
- درس (۲۹): مجاز ۴۳۹
- درس (۳۰): استعاره ۴۴۷
- درس (۳۱): کنایه ۴۶۶

بدیع لفظی:

- درس (۳۲): واج آرای، واژه آرای ۴۷۰
- درس (۳۳): سجع و انواع آن ۴۷۴
- درس (۳۴): موازنه و ترصیع ۴۷۸
- درس (۳۵): جناس و انواع آن ۴۸۴

بدیع معنوی:

- درس (۳۶): مراعات نظیر، تلمیح و تضمین ۵۰۱
- درس (۳۷): لفّ و نشر، تضاد و متناقض نما ۵۱۱
- درس (۳۸): اغراق، ایهام و ایهام تناسب ۵۳۰
- درس (۳۹): حُسن تعلیل، حسن آمیزی و اسلوب معادله ۵۴۲
- پرسش های ترکیبی: ۵۶۴
- پاسخ تشریحی پرسش های ترکیبی: ۵۹۳
- پرسش های چهارگزینه ای کنکور: ۶۱۷
- پاسخ تشریحی پرسش های چهارگزینه ای کنکور: ۶۲۵



فصل یکم: کلیات



درس (۱): مبانی علوم و فنون ادبی

درس (۲): بررسی و طبقه بندی آثار

درس (۳): کالبد شکافی متن شعر و نثر



می‌دانیم که درک مناسب هر علمی نیازمند آشنایی با مبانی و اصول و یک سری قواعد و اصطلاحات آن علم می‌باشد؛ از این رو جهت شناخت فنون ادبی لازم است با اصول و مبانی این علم و تعداد قابل توجهی از اصطلاحات آن آشنا شویم. مهم‌ترین اصطلاحات مرتبط با علوم و فنون ادبی در این کتاب: متن، ادب، ادبیات، فصاحت و بلاغت.

متن چیست؟

به طور کلی هر عا
ملی که ذهن ما را به فعالیت و پویایی درآورد، متن است. بنابراین مقصود کلی از متن، تنها نوشته‌های روی کاغذ و کتاب نیست؛ بلکه صداهایی که شنیده می‌شوند، بویی که احساس می‌شود، رویدادی که دیده می‌شود، مزه‌ای که چشیده می‌شود، هر چیزی که لمس می‌شود؛ همه و همه، متن به حساب می‌آیند. پس متن‌ها شنیداری، بویایی، دیداری و ... نیز هستند؛ مثل کتاب که معمولاً دیداری به شمار می‌آید؛ اگر خوانده شود، به آن متن شنیداری یا خوانداری هم می‌گوییم.
در این کتاب، مقصود از متن، آثار شعر و نثر فارسی است.

ادب

امروزه در زبان فارسی، اصطلاح ادبیات در معانی زیر به کار می‌رود:

۱. مجموعه نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهایی که در یک رشته علمی یا حرفه‌ای رواج می‌یابد؛ مانند ادبیات پزشکی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سینما و ادبیات سیاست. در این نوع کاربردها، ادبیات به معنی آداب و هنجار رایج در این زمینه‌هاست.
۲. تمام آثار مکتوب و هر نوع نوشته‌ای که به تاریخ تمدن بشری تعلق داشته باشد، ادبیات شمرده می‌شود. در این تعریف، متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پزشکی و فلسفی گذشته نیز جای می‌گیرند. براساس این تعریف، متون علمی قدیم نیز در زمره آثار ادبی کهن قرار می‌گیرند.
۳. ادبیات، مجموعه نوشته‌هایی است که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت‌ها بیان می‌کند. در این تعریف، تنها ادبیات مکتوب جای می‌گیرد؛ ولی ادبیات شفاهی مانند افسانه‌ها، حکایات، مثل‌ها و ترانه‌های متداول بین مردم نیز، میراث گران‌بهای ادبی به شمار می‌روند.

نکته: در این کتاب، بیش‌تر به ادبیات مکتوب می‌پردازیم و در یک تعریف روشن‌تر می‌گوییم: ادبیات، هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است. پس ادبیات هم یکی از انواع هنرهاست؛ ماده اصلی ادبیات، زبان است؛ به بیان دیگر، ادبیات کاربرد هنرمندانه زبان است. تفاوت عمده ادبیات و زبان، در هدف آن دو است. هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است در حالی که هدف ادبیات، زیبایی آفرینی است. ضمناً بر مبنای منطق حاکم بر زبان، هر کلمه، معنای قراردادی و مشخصی دارد؛ جمله‌ها نیز ساختمان، اصول و قواعدی دارند؛ اما ادبیات به راحتی و به کمک تخیل می‌تواند منطق حاکم بر زبان را در هم بریزد؛ یعنی هم واژه را از معنای قراردادی آن خارج می‌کند و هم منطق معنایی جمله را متحول می‌کند. ادبیات به کمک زیبایی‌ها و شگردی‌های هنری مانند تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، در آمیختن حس‌ها، اغراق و ... (آرایه‌های ادبی) به زبان، نقشی هنری می‌بخشد. البته از تکرار موسیقایی آواها و عواطف و احساسات هم استفاده می‌کند. ادبیات سخنی تأثیرگذار و بلیغ یا رساست که با قرار گرفتن در ذهن شنونده، او را برمی‌انگیزد. سخن رسا و بلیغ دو ویژگی دارد: فصاحت و بلاغت.

فصاحت

فصاحت به معنی وضوح، روشنی و درستی کلمه یا کلام، در اصطلاح، بیان مقصود است با الفاظی واضح و روان که خالی از عیب‌هایی مانند حروف و کلمات دشوار، و سنگین، بدآهنگ و ناموزون، پیچیده و مبهم باشد و معنی آن به راحتی درک شود.

بلاغت

بلاغت به معنی رسایی کلام، چیره‌زبانی و شیوایی سخن است و در اصطلاح، سخن گفتن به اقتضای حال مخاطب و جایگاه، یا مطابقت سخن با موقعیت است؛ یعنی هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. گاهی اطناب پسندیده است و گاهی ایجاز مناسب است. هم‌چنان که مولوی در این بیت فرموده است:

چون که با کودک سر و کارت فتاد هم، زبان کودکی باید گشاد

نتیجه می‌گیریم که فصاحت به چگونگی و کیفیت کلمات برمی‌گردد و بلاغت هم فصاحت را در نظر دارد و هم به چگونگی معنا و محتوایی کلام توجه می‌کند؛ به تعبیر دیگر، فصاحت جنبه‌های ظاهری سخن را می‌بیند و بلاغت معنی و محتوای کلام را می‌سنجد، علم بلاغت سه شاخه دارد: بدیع، معانی و بیان. در درس‌های آتی با این اصطلاحات بیش‌تر آشنا خواهیم شد.

خلاصه درس

متن: هر عاملی که ذهن ما را به فعالیت و پویایی درآورد، متن گفته می‌شود؛ پس علاوه بر نوشته‌های روی کاغذ، صداها، بوها، رویدادها، مزه‌ها و... نیز متن به حساب می‌آیند.

ادب: این واژه مترادف ادبیات است. البته علمی که سبب پیشگیری از خط در سخن گفتن می‌شوند نیز ادب گفته شده است؛ این علومک عبارت‌اند از: صرف، نحو، بدیع، معانی، بیان، قافیه، عروض و...

فصاحت: وضوح و روشنی و درستی کلام را فصاحت گویند. در اصطلاح، بیان منظور انسان‌ها با واژگانی که خالی از نقص است و ابهامی دربر ندارد.

بلاغت: در لغت، رسایی کلام، چیره‌زبانی و شیوایی کلام است. در ادبیات به علم سخن گفتن به تناسب حال مخاطب و جایگاه آن است. هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد.

ادبیات: به سه مفهوم برای واژه ادبیات اشاره می‌کنیم:

۱. مجموعه نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهای هر رشته علمی مثل: ادبیات پزشکی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سینما و...
۲. تمام آثار مکتوب و هر نوع نوشته‌ای که متعلق به تمدن بشری است.
۳. مجموعه نوشته‌هایی که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت بیان می‌کند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. کدام گزینه در مورد «متن» نادرست است؟

- ۱ هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، «متن» است.
- ۲ صدایی که می‌شنویم، نوعی متن شنیداری است.
- ۳ متن فقط به نوشته‌های شعر و نثر گفته می‌شود.
- ۴ رویدادی را که می‌بینیم، نوعی متن دیداری به شمار می‌رود.

۲. واژه «ادبیات» از عصر..... یعنی سال (.....) ش کاربرد زیادی پیدا می‌کند.

- | | |
|---|--------------|
| ۱ | بیداری، ۱۲۸۸ |
| ۲ | مشروطه، ۱۲۸۷ |
| ۳ | بیداری، ۱۲۸۶ |
| ۴ | مشروطه، ۱۲۸۵ |

۳. کدام تعریف، اصطلاح «ادبیات» را به درستی تعبیر نمی‌کند؟

- ۱ مجموعه نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهایی که در یک رشته علمی یا حرفه‌ای رواج می‌یابد.
- ۲ تمام آثار مکتوب که به تاریخ تمدن بشری متعلق باشد.
- ۳ تمام نوشته‌هایی است که باورها را بر مبنای اعتقادات و نمادهای منطقه‌ای بیان می‌کند.
- ۴ نوشته‌هایی که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت‌ها بیان می‌کند.

۴. بیت «چون که با کودک سروکارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد» ناظر بر کدام مقوله ادبی است؟

- ۱ فصاحت
- ۲ بلاغت
- ۳ زبان
- ۴ معانی

۵. عبارت «به معنی روشنی، درستی کلمه و کلام؛ و در اصطلاح، عبارت است از بیان مقصود با الفاظی روشن و روان که عیب‌هایی (مانند حروف و کلمات دشوار و سنگینی، بد آهنگ و ناموزون، پیچیده و مبهم) تهی باشد» ناظر بر کدام مقوله علمی است؟

- ۱ بلاغت
- ۲ فصاحت
- ۳ بدیع
- ۴ معانی

۶. عبارت «به معنی رسایی سخن، چیره‌زبانی و شیوا سخنی است و در اصطلاح، سخن گفتن به اقتضای حال شنونده و جایگاه یا مطابقت سخن با موقعیت و شرایط است؛ یعنی هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد» یادآور کدام مقوله علمی است؟

- ۱ بلاغت
- ۲ فصاحت
- ۳ بدیع
- ۴ معانی

۷. کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ فصاحت به چگونگی و کیفیت واژگان باز می‌گردد.
- ۲ بلاغت هم به فصاحت توجه دارد و هم به چگونگی معنا و محتوای کلام نظر دارد.
- ۳ بلاغت، همان شیوایی سخن و گفتن سخن به اقتضای حال است.
- ۴ فصاحت، عبارت است از بیان مقصود بدون بهره‌گیری از الفاظی روشن و روان.

۸. کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ ادبیات یکی از هنرهاست، ماده اصلی زبان، ادبیات است.
- ۲ ادبیات کاربرد هنری زبان است.
- ۳ هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است؛ هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی است.
- ۴ ادبیات به راحتی و به مدد تخیل می‌تواند منطق معنایی زبان را در هم بریزد.

۹. ادبیات با بهره‌گیری از شگردهایی همچون: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، درهم آمیختن حس‌ها، اغراق و غیره به زبان نقشی می‌بخشد.

- ۱ ادبی - زبانی
- ۲ زبانی
- ۳ هنری
- ۴ بدیعی

۱۰. در کدام گزینه، همه مقوله‌ها از شاخه‌های علم بلاغت هستند؟

- ۱ معانی، فصاحت، زبان، بدیع
- ۲ بدیع، بیان، فصاحت، زبان
- ۳ بیان، معانی، زبان، فصاحت
- ۴ معانی، بیان، بدیع

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. **گزینه ۳** چون متن صرفاً به نوشته‌های شعر و نثر گفته نمی‌شود؛ بلکه به پدیده‌هایی که ذهن انسان را به فعالیت و پویایی وادارند، متن گفته می‌شود. یعنی متن می‌تواند، دیداری، شنیداری، لمسی و ... باشد.
۲. **گزینه ۴** عصر م شروطه، سال ۱۲۸۵ ش
۳. **گزینه ۳** چون اعتقادات و باورها در ادبیات به صورت منطقه‌ای بررسی نمی‌شود.
۴. **گزینه ۴** بلاغت
۵. **گزینه ۴** فصاحت
۶. **گزینه ۴** بلاغت
۷. **گزینه ۴** چون فصاحت به کمک بهره‌گیری از الفاظ روشن و روان صورت می‌گیرد.
۸. **گزینه ۴** ماده اصلی ادبیات، زبان است.
۹. **گزینه ۳** هنری
۱۰. **گزینه ۴**



بررسی و طبقه‌بندی آثار

همان‌طور که می‌دانیم تحلیل هر متن ادبی - اعم از نثر و نظم - را از چند دیدگاه می‌توان مطالعه کرد و با بررسی دقیق و موثکافانه آن را کالبد شکافی کرد؛ برای دستیابی به این منظور می‌توان متن را از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، زبانی، اخلاقی، محیطی، فکری، تاریخی، روان‌شناختی، ادبی و ... بررسی نمود. اکنون از بین دیدگاه‌های موجود سه دیدگاه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. قلمرو زبانی
 ۲. قلمرو ادبی
 ۳. قلمرو فکری
- برای درک بهتر این موضوع به توضیح نموداری این سه دیدگاه توجه کنید:

دیدگاه‌های تحلیل متون شعر

۱. قلمرو زبانی

الف) سطح واژگانی

ساختمان واژگان (ساده، مشتق، مرکب، مشتق - مرکب)
 کاربرد لغات فارسی یا بیگانه (عربی، ترکی، مغولی و...)
 روابط معنایی کلمات مثل: مترادف، تضاد، تضامن و تناسب

ب) سطح دستوری (نحوی)

کوتاهی و بلندی جمله‌ها
 کاربردهای دستور تاریخی

۲. قلمرو ادبی

الف) سطح بیانی: توجه به زیبایی‌های بیانی مثل تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه

ب) سطح آوایی با موسیقایی بدیع معنوی: توجه به زیبایی‌های بدیع لفظی مثل واج آرایی، تکرار، سجع، جناس و...

ج) سطح بدیع معنوی: توجه به زیبایی‌های بدیع معنوی مثل تضاد، مراعات‌النظیر، حسن‌آمیزی و...

در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحيات، باورها، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری، مانند موضوع‌های زیر، بررسی می‌شود:

۳. قلمرو فکری

- عینی، ذهنی
- شادی‌گرا، غم‌گرا
- خردگرا، اختیارگرا
- جبرگرا، اختیارگرا
- عرفانی، طبیعت‌گرا
- خوش‌بینی، بدبینی
- فلسفی، روان‌شناختی
- محلی، میهنی، جهانی
- و...

آثار ادبی (شعر و نثر) را از دو دیدگاه کلی هم می‌توان طبقه‌بندی کرد:
 الف) براساس محتوا و موضوع ب) بر اساس ساختمان و شکل

متون ادبی را از سه دیدگاه و قلمرو: زبانی، ادبی و فکری بررسی می‌کنند.

قلمرو زبانی: زبان هر اثر مکتوب ادبی مخصوص به خودش است؛ برخی از متون، زبانی ساده و قابل فهم و برخی دیگر زبانی پیچیده و دشوار دارند. کاربرد واژگان زبان فارسی و بیگانه، ساختمان واژه، روابط معنایی کلمات مانند: مترادف، تضاد و تضمن هم در این حوزه بررسی می‌شود.

قلمرو ادبی: عناصری که سبب خلق زیبایی‌های زبان می‌شوند، در این حوزه قابل بررسی است؛ این عناصر عبارت‌اند از: زیبایی‌های بیانی و بدیعی. از بیان می‌توان تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه را نام برد و از بدیع می‌توان به زیبایی‌هایی مانند: واج آرایی، تکرار، سجع، جناس، تضاد، مراعات نظیر و... اشاره کرد.

قلمرو فکری: هر نوشته‌ای بر مبنای نوعی تفکر و اندیشه خلق می‌شود؛ این نوع اندیشه‌ها را قلمرو فکری نوشته‌ها می‌گویند. از این اندیشه‌ها می‌توان به خوش‌بینی، بدبینی، جبرگرایی، اختیارگرایی، خردگرایی، عشق‌گرایی، عینی‌گرایی، ذهنی‌گرایی و... اشاره کرد.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. متون نظم و نثر را بر اساس کدام سه دیدگاه مهم کالبد شکافی می‌کنند؟

- ۱ زبانی، عینی، علمی
 ۲ ادبی، علمی، زبانی
 ۳ زبانی، ادبی، فکری
 ۴ فکری، ادبی، عینی

۲. بررسی روابط معنایی کلمات از قبیل (ترادف، تضاد، تضمن و تناسب) در حوزه کدام یک از سطوح بررسی می‌شود؟

- ۱ قلمرو ادبی، سطح بدیعی معنوی
 ۲ قلمرو زبانی، سطح واژگانی
 ۳ قلمرو زبانی، سطح دستوری
 ۴ قلمرو ادبی، سطح بدیع لفظی

۳. هریک از آرایه‌های (مجاز، سجع، کنایه و مراعات النظیر) به ترتیب در حوزه کدام سطح از سطوح قلمرو ادبی قرار می‌گیرند؟

- ۱ بیانی، بدیع معنوی، بیانی، بدیع لفظی
 ۲ بدیع لفظی، بدیع معنوی، بیانی، بیانی
 ۳ بیانی، بیانی، بدیع لفظی، بدیع معنوی
 ۴ بیانی، بدیع لفظی، بیانی، بدیع معنوی

۴. هریک از مقوله‌های «خردگرایی، واج آرایی و تضمن» به ترتیب مربوط به کدام حوزه‌های تحلیل شعر هستند؟

- ۱ فکری، زبانی، ادبی
 ۲ ادبی، فکری، زبانی
 ۳ فکری، ادبی، زبانی
 ۴ زبانی، فکری، ادبی

۵. کدام گزینه از مقوله‌های قابل بررسی در قلمرو زبانی تحلیل متون شعری نیست؟

- ۱ کوتاهی و بلندی جمله‌ها
 ۲ مراعات نظیر و حسن آمیزی
 ۳ کاربردهای دستور تاریخی
 ۴ ساختمان واژگان

۶. کدام گزینه از ویژگی‌های قلمرو فکری تحلیل متون شعری است؟

- ۱ اختیارگرایی
 ۲ کوتاهی و بلندی جمله‌ها
 ۳ کاربرد لغات مغولی
 ۴ زیبایی‌گرایی مثل جناس

۷. در کدام گزینه، تمام مقوله‌ها مربوط به قلمرو ادبی است؟

- ۱ ساختمان واژگان، واج آرایی، شادی آرایی، تکرار، جناس
 ۲ حسن آمیزی، واج آرایی، مراعات نظیر، ترادف، طبیعت‌گرایی
 ۳ عشق‌گرایی، سجع، تکرار، کوتاهی و بلندی جمله‌ها، جناس
 ۴ جناس، سجع، کنایه، مراعات نظیر، واج آرایی

۸. کاربردهای دستور تاریخی، در حوزه کدام یک از قلمروهای تحلیل متون شعر قرار می‌گیرد؟

- ۱ زبانی ۲ فکری ۳ ذهنی ۴ ادبی

۹. کدام گزینه از مقوله‌های قلمرو ادبی تحلیل متون شعری نیست؟

- ۱ مجاز ۲ تشبیه ۳ خوش بینی ۴ تکرار

۱۰. قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در کدام کشور صورت گرفته است؟

- ۱ ایران ۲ یونان ۳ روم ۴ آلمان

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. **گزینه ۱** زبانی، ادبی، فکری
۲. **گزینه ۲** قلمرو زبانی، سطح واژگانی
۳. **گزینه ۳** بیانی، بدیع لفظی، بیانی، بدیع معنوی
۴. **گزینه ۲** فکری، ادبی، زبانی
۵. **گزینه ۲** مراعات نظیر و حسن آمیزی از ویژگی‌های قلمرو ادبی هستند.
۶. **گزینه ۱** اختیارگرایی
۷. **گزینه ۱** جناس، سجع، مراعات نظیر و واج‌آرایی از مقوله‌های بدیعی و کنایه از مقوله‌های بیانی قلمرو ادبی هستند.
۸. **گزینه ۲** قلمرو زبانی
۹. **گزینه ۳** خوش بینی، یکی از ویژگی‌های قلمرو فکری تحلیل شعر است.
۱۰. **گزینه ۲** یونان



همان‌طور که در مبانی علوم و فنون ادبی اشاره شد، مقصود از «متن» در این کتاب، فقط آثار مکتوب ادبی است که در یک نگاه کلی، این متون به دو بخش تقسیم می‌شود:

شعر
متون آثار مکتوب
نثر

اکنون تلاش می‌کنیم برای دستیابی بهتر به نتایج آموخته‌های درس‌های پیشین، با تدوین و تبیین یک چهارچوب منطقی به صورت گام‌به‌گام، طرحی پیشنهادی را ارائه دهیم.

طراحی این گام‌ها به ترتیب زیر است:

۱. خوانش متن
۲. شناسایی و استخراج نکات زیبایی
۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی
۴. شناسایی و استخراج نکات فکری
۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

اکنون با بررسی شعر زیر از الهی‌نامه عطار نیشابوری، سیر مراحل پنج‌گانه این طرح را در شعر نشان می‌دهیم:

<p>به دام افتاد روباه‌ی سحرگاه که گر صیاد بیند همچنیم پس آن‌گه، مُرده کرد او خویشان را چو صیاد آمد، او را مرده پنداشت ز بُن بُرید حالی گوش او لیک به دل، روباه گفتا: ترکِ غم گیر یکی دیگر پیامد، گفت: این دم زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه دگر کس گفت: ما را از همه چیز نزد دم، تا که آهن درفکندند به دل، روباه گفتا: گر بمانم دگر کس آمد و گفت: اختیار است چو نام دل شنید از دور، روباه به دل می‌گفت: با دل نیست بازی به دل می‌گفت: با دل نیست بازی بگفت این و به صد دستان و تزویر حدیث دل، حدیثی بس شگفت است</p>	<p>به رو به بزی اندیشید در راه دهد حالی به گازر پوستینم زییم جان، فرو افکند تن را نمی‌یارسد رو به را کم انگاشت که گوش او به کار آید مرا نیک چو زنده مانده‌ای، یک گوش، کم گیر زبان او به کار آید مرا هم نکرد از بیم جان، یک ناله روباه به کار آید همی دندان او نیز به سختی چند دندانش بکندند نه دندان باش و نه گوش و زبانم دل روبه، که رنجی را به کارست جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه کنون باید به کارم حیل‌سازی کنون باید به کارم حیل‌سازی بجست از دام، هم‌چون از کمان، تیر که در عالم، حدیثش در گرفته است</p>
---	---

(عطار نیشابوری، الهی‌نامه)

اکنون به بررسی گام‌های پنج‌گانه متن فوق می‌پردازیم:

الف) خوانش شعر

نخستین قدم مؤثر برای رویارویی و شناخت متن، خوانش صحیح آن است. لازم است قبل از خوانش، با یک نگاه کلی لحن و آهنگ آن را تشخیص دهیم؛ پس از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای اثر، خواندن اتفاق می‌افتد. دقت داشته باشیم که لازم است تمام اثر، یک‌باره و بدون وقفه، خوانده شود تا درک ارتباط طولی و فهم محتوا دچار اختلال نشود.

ب) شناسایی و استخراج نکات زبانی

بعد از خوانش دقیق شعر، عینک زبانی به چشمان خود زده و شعر را دوباره بازخوانی می‌کنیم و نکات برجسته قلمرو زبانی را شناسایی و دسته‌بندی می‌کنیم؛ مثلاً برخی از نکات زبانی شعر عطار: عبارت‌اند از:

وجود واژگان کهن مانند «گازر»، «نمی‌یارست»

کمی واژگان غیرفارسی

کاربرد شبکه معنایی؛ مانند «حیله، دستان، تزویر، دام» و «دل، زبان، گوش و دندان»

ترکیب‌سازی؛ مانند «روبه باز»، «حیله‌سازی» حقه‌بازی

کاربردهای تاریخی دستور: «مُرده کرد»، «نمی‌یارست ... کم‌انگاشت»، «به کار آید همی»

سادگی و کوتاهی جمله‌ها: مانند «به دام افتاد روباهی سحرگاه»، «به روبه‌بازی اندیشید در راه» و ...

بیش‌تر کلمات شعر، ساختمان ساده دارند: دام، روباه، صیاد، گازر، گوش، دل، زبان و ...

زبان شعر، ساده و روان است و پیچیدگی ندارد.

به کارگیری واژگان به صورت مخفف: روبه، گر، آن‌گه، ز، دگر

حذف «می» در مضارع اخباری، مانند «دهد» به جای «می‌دهد»

و ...

ج) شناسایی و استخراج نکات ادبی

در این مرحله، عینک زیبایی‌شناسی به چشم می‌زنیم و شعر را یک‌بار دیگر بررسی می‌کنیم و به نکات ادبی زیر، دست می‌یابیم:

از قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع هر بیت، می‌فهمیم که قالب شعر «مثنوی» است.

«ترک غم گرفتن»، «دم نزدن» و «جهان بر چشم او تیره شدن» کنایه است.

«بجست از دام، هم‌چون از کمان، تیر» تشبیه و مراعات‌النظیر دارد.

به کارگیری ردیف در برخی اشعار برای افزایش موسیقی شعر، مثل (را) در بیت سوم

به کارگیری آرایه تکرار؛ واژه «حدیث» در آخرین بیت، سه بار تکرار شده و سبب افزایش موسیقی شعر شده است.

مراعات‌النظیر: به کار بردن کلمات زبان، گوش، دل، جان و دندان که از اعضای بدن هستند.

تضاد: به کارگیری جان و تن در تضاد با هم

و ...

د) شناسایی و استخراج نکات فکری

از مقایسه اجزای بدن (گوش، زبان، دندان) با «دل» و برتری دادن دل به همه اجزا در این شعر، به این نکته پی می‌بریم که شاعر «دل» را جایگاهی با اهمیت می‌داند و به همین سبب می‌گوید: «با دل نیست بازی» و بعد از این در بیت پایانی، نتیجه‌گیری عرفانی شاعر آشکار می‌شود.

این شعر اگرچه ظاهری ساده و داستانی دارد، اما پایان‌بندی و نتیجه‌گیری شاعر، بیانگر ذهن خلاق اوست که یک نکته عمیق معرفتی درباره ارزش و جایگاه دل را این‌گونه در قالب داستان «روبه و شکارچی» گنجانده است تا بگوید که همه چیز وجود ما دل است و گران‌بهایی دل، به سبب این است که خانه و جایگاه خداوند است.

شعر، ظاهری ساده، محسوس و عینی دارد اما نتیجه‌گیری پایانی، مفهومی ذهنی و معنوی است.

ه) نتیجه‌گیری و تعیین نوع

با توجه به این‌که، حکمت و معرفتی در شعر نهفته است و شاعر برای بیان آن، از ظرف داستانی بهره گرفته است؛ در مجموع، این شعر را در رده ادبیات تعلیمی - عرفانی می‌توان جای داد.

اکنون متن زیر را که از کتاب کلیده و دمنه انتخاب شده است، با دقت می‌خوانیم و این پنج گام را در آن نشان می‌دهیم:

«چون بشناختم که آدمی، شریف ترِ خلایق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند. هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش اُشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت. در این میان، بهتر بنگریست، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند، اژدهایی سهمناک دید؛ دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد. به سر چاه، التفات نمود. موشان سیاه و سپید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جُست. پیشِ خویش، زنبور خانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب بُرد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدُّ بلیغ می‌نمایند و ... ، چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان اژدها افتاد. پس، من دنیا را بدان چاه پُر آفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز؛ و آن چهار مار را به طبایع که عمادِ خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد؛ و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند؛ و اژدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست».

(کلیده و دمنه، باب برزویه طیب، با اندک تغییر)

اکنون متن زیر را بر مبنای گام‌های پنج‌گانه، بررسی می‌کنیم:

الف) خوانش متن نثر

با توجه به اهمیت نحوه خوانش، متن را به دقت می‌خوانیم؛ رعایت نشانه‌های نگارشی درون متنی هنگام خواندن، به درک عمیق‌تر متن کمک می‌کند.

ب) شناسایی و استخراج نکات زبانی

تعدادی از نکته‌های مهم و برجسته قلمرو زبانی این متن را برمی‌شماریم:

کاربردهای کهنی که امروزه، به گونه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شوند: اُشتر، شاخ، پسودن، شنودن، بنگریست، نتوان دانست. جمع کلمه «موش» با نشانه «ان».

به کارگیری کلمه «بگسست» در معنی «بریده شد، شکست».

به کارگیری «شهد» در معنی «عسل».

کاربرد کلمه «قاتل» در معنی کُشنده برای غیرانسان.

جدانویسی نشانه منفی ساز فعل «ن»: «نه اندیشید» که امروزه می‌نویسیم: نیندیشید.

کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله: «خلاص خود را طریقی می‌جُست».

ترکیب «زنبورخانه» به معنی «لانه زنبور»، جالب توجه است.

بیش تر جمله‌ها در این نمونه، کوتاه و قابل فهم هستند.

ج) شناسایی و استخراج نکات ادبی

شبهه معنایی میان «شهد، شیرینی، چشیدن، زنبور و حلاوت»

تضاد میان دو واژه «سیاه و سفید»، «پا و سر» و «سر و قعر» در ترکیب «سر چاه و قعر چاه»، «زهر و شیرینی یا شهد»، «رنج و لذت»، «اندک و بسیار»

بهره‌گیری از تمثیل برای بیان مفهوم غفلت انسان.

و ...

د) شناسایی و استخراج نکات فکری

در این حکایت، نگرش حکمی و تعلیمی، برجسته است. نویسنده برای بیان مقصود خود (بهره‌گیری از گذر عمر برای سعادت آن جهانی) در جایگاه اندرز، خطاب به خواننده، چند نکته را یادآور می‌شود:

شریف بودن انسان در میان مخلوقات

گران‌بها بودن لحظات عمر

هوشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر

می‌بینیم که این حکایت از یک سو، به جایگاه و ارزش انسان، نگاهی مثبت و خوش‌بینانه دارد و از سوی دیگر نسبت به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر، نگرش منفی دارد.

ه) نتیجه‌گیری و تعیین نوع

نویسنده، این فکر را به خواننده انتقال می‌دهد که:

نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد.

قدر لحظه لحظه عمر خویش را بداند.

هوشیاری خود را حفظ کند و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که گرفتار غفلت گردد.

سعادت و نیک‌بختی راستین، کسب خشنودی خدای بزرگ است.

بر پایه بررسی‌های انجام شده و تأکید درونمایه اثر، این نوشته را نمونه‌ای از متن تعلیمی یا اندرزی می‌توان به شمار آورد.

خلاصه درس

متون مکتوب ادبی به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: شعر و نثر

بررسی چهارچوب منطقی تدوین و تبیین متون طبق پنج قدم شکل می‌گیرد؛ این پنج گام به ترتیب، عبارت‌اند از:

۱. خوانش متن

۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی

۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی

۴. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. کدام گزینه، از مراحل پنج‌گانه گام به گام برای بررسی متون آثار مکتوب نیست؟

۱. شناسایی و استخراج نکات ادبی

۲. شناسایی و استخراج نکات معنوی

۳. شناسایی و استخراج نکات زبانی

۴. خوانش متن

۲. در بیت «به دام افتاد روباهی سحرگاه به روبه بازی اندیشید در راه» کدام یک از نکته‌های زبانی به وضوح دیده می‌شود؟

۱. ترکیب‌سازی

۲. کمی واژگان فارسی

۳. وجود واژگان کهن

۴. کاربرد شبکه معنایی

۳. کدام یک از ابیات زیر، (کنایه، مراعات‌النظیر و تشخیص) را از ویژگی‌های قلمرو ادبی هم‌زمان داراست؟

۱. قطره‌آبی که دارد در نظر گوهر شدن

از کنار ابر، تا دریا تنزل بآیدش

۲. خُرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست

جبهه واکرده‌ای پیوسته چون گل بآیدش

۳. هر که می‌خواهد که از سنجیده گفتاران شود

بر زبان، بندگرانی از تأمل بآیدش

۴. صبر بر جور فلک کن تا برآیی رو سفید

دانه چون در آسیاب افتد تحمل بآیدش